

به نام خدا

لایحه قضازدایی و

حذف برخی عنوانهای مجرمانه از قوانین

الف) مقدمه و کلیات توجیهی لایحه

۱) فرایند کار

مرکز مطالعات توسعه قضایی از سال ۱۳۸۲ مطالعه و پژوهش درباره امکان جرمزدایی از برخی عنوانهای مجرمانه در قوانین جزایی ایران را در دستور کار خود قرار داده که پس از چند نشست کارشناسی با حضور استادان دانشگاه، قضات و وکلای دادگستری و نیز کارشناسانی از بخشهای اجرایی کشور در خصوص چگونگی انجام این کار شور و مباحثه گردید که در مجموع یک شیوه کار به تصویب رسید؛ انجام کار در این شیوه عبارت بود از:

دسته بندی عنوانهای جزایی بر اساس موضوع اصلی و محوری آنها و با توجه به امکان پیشنهاد جرمزدایی در هر کدام از آن موضوعات. در این تقسیم بندی دو نکته مهم بوده نخست این که جرایم مهم که قسمت عمده قانون مجازات اسلامی را دربر می گرفت از حوزه بحث و مطالعه خارج شد؛ جرایمی مانند جرایم علیه اشخاص، اموال و مالکیت و جرایم علیه امنیت و آسایش عمومی که متضمن نقض شدید نظم عمومی و حقوق و آزادیهای فردی به شمار می آیند، اساساً نمی توانند موضوع جرمزدایی قرار گیرند. عمده این جرایم، با کمی اختلاف در تعریف و یا گستره آنها، در همه قوانین جزایی کشورها وجود دارد. شدت آسیبهای ناشی از این رفتارها به حدی است که توجیه مداخله کیفری با مشکل مواجه نمی شود. دیگر آنکه، در برخی از جرایم به نظر می رسد که ارزش نقض شده یا هدف مقرر جزایی به گونه ایست که یا از اهمیت بالایی برخوردار نیست و یا این که دستیابی به آن هدف از طریق سایر روشها و تدابیر ممکن و قابل اجرا در یک نظام حقوقی میسر است به گونه ای که دست کم همان فایده و منفعت مداخله کیفری را با خود به همراه دارد. در چنین فضایی و با رعایت این دو اصل، عنوانهایی انتخاب شدند که به نظر می رسد امکان عقب نشینی حقوق کیفری در آن موارد وجود داشته باشد. نکته

روش‌شناختی مهم دیگر این است که شاید از نظر مفهومی برخی از این قسمت‌ها با مناقشه روبرو شود مانند این که فرهنگ چیست و محدوده آن چه جرایمی را دربر دارد. برای پرهیز از این مناقشه و اختلاف، باید اذعان کرد که هرچند این تقسیم‌بندی بر اصول و ملاک‌هایی استوار بوده است، ولی مبنای سهولت در اجرای کار هم مورد توجه بوده است. بر اساس آنچه در پایان همه بررسی‌های کارشناسی در سطوح مختلف به عنوان موارد امکان جرم زدایی و قضازدایی باقی ماند در شش بخش قابل تقسیم است.

بخش‌های ششگانه در این لایحه به شرح زیرند:

- جرایم زیست- محیطی
- جرایم امور پزشکی، بهداشتی، درمانی و دامپزشکی
- جرایم امور اقتصادی و دارایی و بازرگانی
- جرایم مربوط به کار و امور اجتماعی، حمل و نقل، و نظام مهندسی معدن و ساختمان
- مقررات مربوط به ثبت اسناد و املاک
- مقررات مربوط به ثبت احوال.

تعیین یک مجری با گروهی پژوهشگر برای انجام مطالعات مورد نیاز که در پایان منجر به ارائه پیشنهادهایی دال بر جرم‌زدایی شده است، در انجام این مطالعات مجموعاً ۱۶ مجری و پژوهشگر از خردادماه ۱۳۸۲ در طول متوسط ۲ سال مشغول به کار بودند.

پیشنهادها به همراه دلایل توجیهی آنها برای صاحب‌نظران و کارشناسان مربوطه به ویژه در دو قوه قضائیه و مجریه ارسال شده است.

۲) ملاحظات دربارۀ محتوای لایحه

۱. نکته قابل توجه دیگر این است که علاوه بر موضوعات مذکور، مواد پیشنهادی سازمان ثبت اسناد و املاک کشور هم در خصوص توسعه صلاحیت آن سازمان و نهادهای مرتبط با آن و واگذاری بخشی از اختیارات محاکم در امور ثبتی به این سازمان هم در این لایحه منعکس شده است. زیرا هرچند که در ابتدای امر بررسی عنوان‌های مجرمانه برای کاهش محدوده

حقوق کیفری مد نظر بوده است ولی محتوای پیشنهاد‌های ارائه شده در هرکدام از زمینه‌های مورد تحقیق دربردارندهٔ پیشنهادهایی بوده که می‌توان آنها را در محدودهٔ قضازدایی قرار داد. به همین دلیل، نام این لایحه قضازدایی و حذف عناوین مجرمانه (جرم زدایی) است. البته، با تعریفی که در بند ب از جرم زدایی ارائه شده است، از جرم زدایی معنای عامی ارائه شده که قضازدایی را هم پوشش می‌دهد.

۲. در این لایحه، در برخی از موارد به جای این که عنوان مجرمانه به طور کامل حذف شده باشد، محدوده جرم کاهش یافته و مجازات‌ها نیز با عنوان‌های مجرمانه متناسب شده‌اند. از اینرو می‌توان گفت که لایحهٔ حاضر نوعی پالایش قوانین و مقررات کیفری را هم شامل می‌شود. به عبارت دیگر، می‌توان گفت همچنان که در تصویب قوانین جدید گاهی بدون این که عنوان مجرمانهٔ جدیدی جعل شود، قانونگذار همان عنوان قبلی را از نظر مفهومی یا مصداقی توسعه می‌دهد که می‌توان از آن با «جرم‌انگاری پنهان» یاد کرد، در اینجا نیز جرم‌زدایی از طریق تحدید مفهومی یا مصداقی عنوان‌های مجرمانه صورت پذیرفته که می‌توان آن را «جرم‌زدایی پنهان» نامید.

در این روش، برخی از قوانین نسخ شده، به جای آنها در قانون مجازات اسلامی یا قانون مرتبط دیگری اصلاحاتی انجام شده است که ضمن حفظ کلیت عنوان مجرمانه، وصف مجرمانه مضیق تعریف شده است. ضمن این که قوانین موازی نسخ شده و پالایشی هم در مقررات مربوطه انجام شده است.

۳. در بررسی‌ها مشخص شده است که یکی از دلایل تورم قوانین کیفری در ایران تعدد قوانین و مقررات در موضوعات مشابه است به گونه‌ای که در موضوعی واحد قانونگذار به مناسبت‌های مختلف و در شرایط گوناگون و گاه بدون توجه به وجود مقررات قبلی رفتارهایی را مجرمانه تلقی کرده که نه ضرورت دارد و نه مفید است. از این رو، بازنگری در این قوانین و مقررات و هماهنگ و یکنواخت سازی آنها ضرورت دارد؛ به عنوان نمونه، در خصوص شکار و صید، پنج قانون وجود دارد که در زمان‌های مختلف بر اساس مقتضیات خاصی به تصویب رسیده است. این قوانین، علاوه بر این که موضوعات مختلفی را دربارهٔ شکار و صید پوشش می‌دهند در پاره‌ای موارد متضمن مقرراتی مختلف در موضوع واحدی هستند. بنابراین، یکی از اجزای این لایحه ایجاد تکلیف برای حذف عنوان‌های مجرمانه موازی و تدوین قانون واحد برای موضوع واحد است.

ب) انواع و کارکردهای جرم‌زدایی

گاهی در جرم‌زدایی رسمی عنوان مجرمانهٔ رفتار به طور کامل سلب می‌شود؛ به‌گونه‌ای که، افراد می‌توانند آن را همانند سایر رفتارهای مجاز انجام دهند. در این نوع جرم‌زدایی مجموعهٔ تحلیلیها و ارزیابی‌های کارشناسانه ما را به این نتیجه سوق

می‌دهد که جرم‌انگاری پیشین اثر بازدارندگی کمی داشته یا حتی گاهی هم بی‌تأثیر بوده است. بنابراین، بی‌تأثیری یا کم‌تأثیری، دلیل مهم جرم‌زدایی از چنین رفتارهایی در وهلهٔ نخست است. کنترل این رفتارها و بازدارندگی اصلی در قالب تدابیر پیشگیرانه امکان‌پذیرتر و نظارت اجتماعی مؤثرتر از اقدام کیفری ارزیابی شده است. قضاوت عمومی دربارهٔ آن رفتار و این‌که دیگر رفتار مزبور را بد نمی‌دانند و به ارتکاب آن تمایل نشان می‌دهند، یا در برابر ارتکاب آن قضاوت ارزشی منفی ندارند، از عوامل مهم تأثیرگذار بر گرایش به این نوع جرم‌زدایی است. البته، لازم است به اختصار بیان شود که تأثیرپذیری جرم‌زدایی از قضاوت عمومی به آن جهت است که حقوق باید تا حد ممکن بر اساس موازین شرع مطابق ایده‌ها، نگرش‌ها و عقیده‌های - اگر نه همهٔ مردم - دست‌کم اکثریت آنها شکل بگیرد تا هم از اعتبار و مقبولیت کافی برخوردار شود و هم کارآمدی لازم را داشته باشد که در میدان عمل به یک بیر کاغذی تبدیل نشود. البته، این گزارهٔ فلسفی الزاماً به این معنا نیست که نظام حقوقی باید به شکل منفعل و مطابق با آداب و رسوم و نگرش رایج شکل بگیرد. برعکس، این امر عموماً مورد پذیرش است که یکی از کارکردهای اساسی حقوق و نظام حقوقی، شکل دادن به آداب و رسوم و نگرش رایج است.

این دو برداشت، از تعامل و تأثیر متقابل حقوق و مردم از یکدیگر حکایت دارد تا از تعارض واقعی؛ به عبارتی این دو همواره درگیر یک فرایند گفتگو و کنش متقابل‌اند. آنها باید نه بسیار به هم نزدیک و نه بسیار از هم دور باشند. بنابراین، یکی از وظایف نخست چنین کنش متقابلی حفظ مناسب‌ترین فاصله و ارتباط میان دو طرف است.

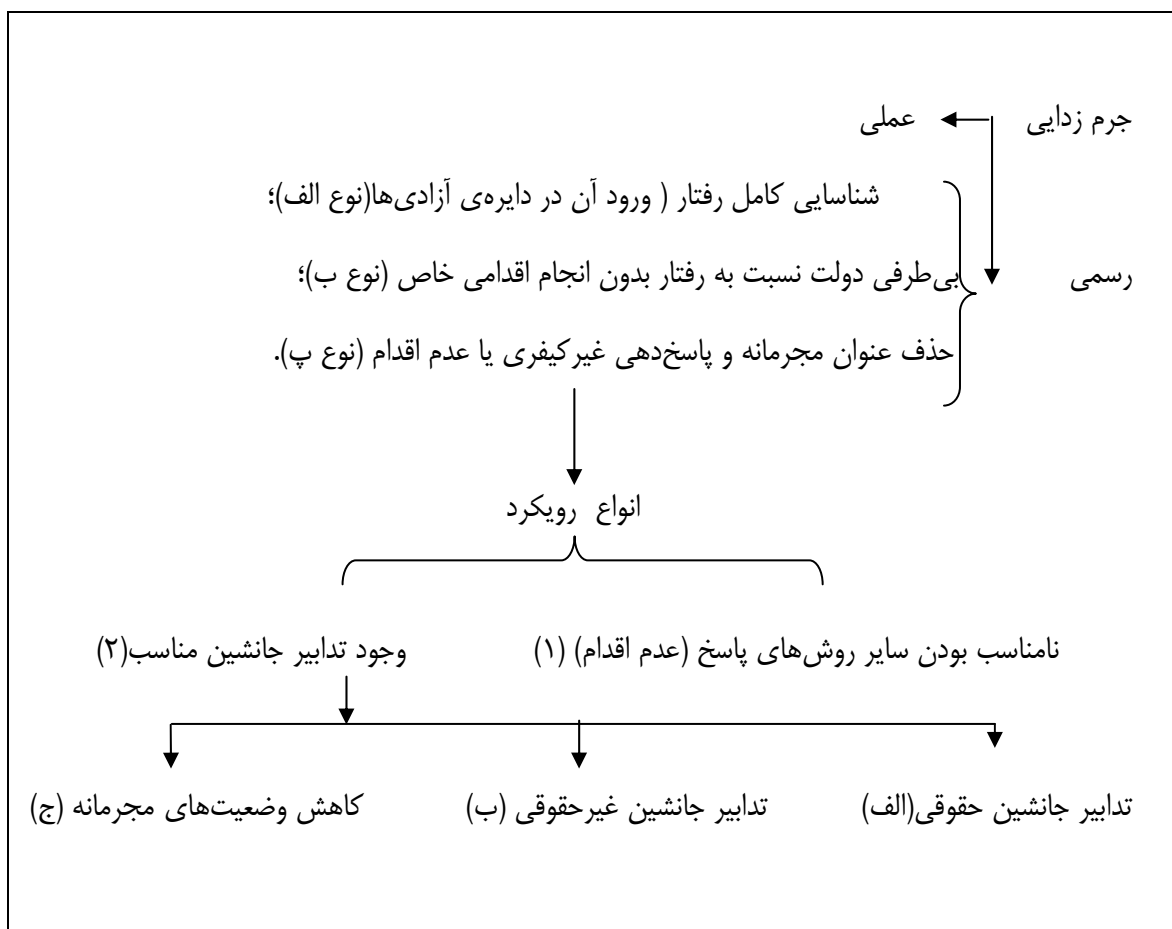
نوع دوم جرم‌زدایی نه به اعتبار تمایل برای شناسایی رفتار، بلکه به لحاظ تغییر دیدگاه نسبت به وظایف دولت انجام می‌گیرد؛ بدین معنا که، با پافشاری بر آزادی فردی و حقوق بشر، دولت در قبال چنین رفتارهایی موضع بی‌طرفانه را بر می‌گزیند هرچندکه انجام آن را نیز تأیید نمی‌کند. در نوع سوم از جرم‌زدایی، بی‌آن‌که تغییری در دیدگاه مردم یا دولت نسبت به شکل خاصی از رفتار لازم باشد، دولت خود را نسبت به مداخله در آن رفتار صالح می‌داند. ولی، به جای کیفر از راهکار عدم اقدام یا سایر راهکارهای قانونی در دسترس، بهره می‌گیرد.

به این ترتیب، در نوع سوم جرم‌زدایی دولت به سه شکل رفتار می‌کند. نخست، در مواردی که هزینه‌های گوناگون جرم‌انگاری را از سود آن بیش‌تر می‌داند. افزون بر آن، سایر روش‌ها را هم مناسب تشخیص نمی‌دهد. در این حالت راهکار «عدم اقدام» را برمی‌گزیند. در رویکرد دیگر، امکان‌گزینش جانشین فراهم بوده و شکل‌های مختلفی از جانشینی تصور شده است. این شکل از جرم‌زدایی با دیگر شکلهای جرم‌زدایی از یک جنبهٔ مهم تفاوت دارد؛ یعنی، در این مورد، دولت همهٔ تلاش خود را برای کنترل رفتار مورد نظر کنار نمی‌گذارد، بلکه برعکس برای مؤثرتر کردن این کنترل مبارزه می‌کند.

رهیافتهای متفاوتی برای کنترل این رفتارها و بازدارندگی از آنها وجود دارد که در نظامهای حقوق مدنی، حقوق اداری، رفاه اجتماعی، بهداشت و نظام آموزشی متمرکز می‌شوند. با انتقال این رفتارها به سایر نظامهای کنترلی دست کم اثر برچسب مجرمانه و واکنش سرکوبگر کیفر در این رفتارها کاهش می‌یابد و همین امر یکی از دلایل مهم جرم‌زدایی از این نوع رفتارها تلقی می‌شود. بازدارندگی کیفری بر اثر این نوع انتقال، تضعیف می‌شود ولی به شکل جدیدی نمودار می‌شود. بازدارندگی در نظامهای دیگر به ویژه نظام حقوقی با سازوکارهای ویژه آنها رخ می‌دهد. به عنوان نمونه، در شرایط مناسب، جریمه‌های اداری برای تخلف از مقررات عمومی، می‌توانند به اندازه مجازاتهای سنتی حقوق کیفری تأثیر بازدارنده داشته باشند. ضمن آن که انتقال به نظام اداری بر سرعت واکنش می‌افزاید که این امر به بازدارندگی بیشتر واکنش جدید می‌انجامد. از این رو، پیشنهاد مشخص درباره بسیاری از جرایمی که ماهیت فنی دارند یا اساساً در برابر نقض مقررات اداری وضع و جعل شده اند این است که از واکنشها و تدابیر اداری مانند جریمه اداری، لغو مجوزها، محرومیت از یارانه‌های دولتی و عمومی، جلوگیری از توسعه فعالیت، اجبار به انجام اقدامات و فعالیتهای مرتبط استفاده شود که هم سریعتر اعمال می‌شوند و هم آثار بازدارنده آنها نسبت به اقدام کیفری بیشتر است. جرم‌زدایی از برخی از جرایم اقتصادی، زیست-محیطی و صنفی نمونه‌های بارز این مسئله اند که در حال حاضر در مدیریت جرم‌زدایی از آنها استفاده می‌شود.

نکته مهم دیگری که نمی‌توان و نباید از آن غفلت کرد این است که تأثیر نظام حقوق مدنی بر بازدارندگی به روشنی حقوق اداری نیست. ساختار ویژه نظام مدنی و پاسخهای آن و نیز چگونگی رسیدگی به دعوی که در این نظام به جریان می‌افتد در این قضاوت اثر داشته‌اند. به نظر می‌رسد در مواردی که ضمانت‌اجرای کیفری قانونی یا قضایی (آنچه رویه دادگاهها در تعیین مجازات است) یا مالی مانند جزای نقدی است، و نیز در مواردی که ماهیت رفتار مجرمانه پیش از مداخله کیفری، مدنی بوده است، پاسخهای مدنی می‌توانند بازدارندگی بیشتری داشته باشند مشروط بر این که در فرایند رسیدگی به این عناوین انتقال یافته به قلمرو نظام مدنی تجدیدنظر صورت گیرد تا کندی و تشریفات رسیدگی مدنی موجب زوال بازدارندگی این نوع مداخله نشود.

اینها از پیامدهای جرم‌زدایی اند که باید در فرایند تغییر به آنها توجه کافی شود.



نمودار : انواع جرم‌زدایی

نکته اساسی دیگر این است که از نوع (ب) جرم‌زدایی و نوع (پ) آن، به ویژه شکل (۲) آن روزنه‌ای به عدالت ترمیمی یا عدالت سازشی باز می‌شود که به موجب آن تلقی شناخته شده از جرم ایراد خسارت به بزه‌دیده و جامعه (محلی) و اجتماع است و نه تجاوز به قانون، قانون شکنی، صدمه و لطمه به ارزشهای اساسی جامعه. از این رو، ترمیم و جبران خسارت بزه‌دیده و ترمیم دردها و رنجهای او از طریق روشهای میانجی‌گری، داوری، گفتگو و سازش با استفاده از توان افراد و جامعه محلی جای اعمال کیفر و برخورد رسمی دولت برای اجرای عدالت را می‌گیرد. پذیرش و به رسمیت شناختن این تغییر پارادایم از عدالت کیفری به عدالت ترمیمی یا تکمیل اولی با دومی می‌تواند نظریه‌ها و رویه‌های ما را در باب جرم‌زدایی به عدالت ترمیمی پیوند بزند.

با ملاحظه نکته بالا می‌توان گفت که انتقال کنترل به نظامهای غیر حقوقی - مانند نظامهای اداری و انضباطی، نظام رفاه اجتماعی، آموزش، بهداشت - و نیز کنترل اجتماعی به معنای کنار نهادن بازدارندگی رسمی و گرایش به پیشگیری نه

از گذر ترس، بلکه از گذر دگرگونی شرایط اجتماعی، اقتصادی، روان‌شناسانه، بوم‌شناسانه و آموزشی است که زمینه‌ساز این تغییر می‌شوند؛ موضوعی که می‌توان از آن به منزله یکی از عناصر فرایند تغییر (جرم‌زدایی) یاد کرد اعم از آن که به شکل تغییر درون سازمانی باشد یعنی در خود عدالت کیفری انجام شود یا به شکل گذار از عدالت کیفری به عدالت ترمیمی.

با توجه به آنچه در بالا آمد، به خوبی می‌توان دریافت که چرا جرم‌زدایی یک تغییر به شمار می‌آید و باید آن را در قالب پروژه تغییر دید و به همه عوامل و مؤلفه‌هایی که در فرایند و مدیریت تغییر مهم و پراهمیت هستند، توجه کرد و در مقام اداره آن به همه آنها توجه داشت. آن گونه که برخی به درستی گفته‌اند که تغییر موجب آشفته‌گی است، ولی فرصتی برای رشد است، جرم‌زدایی هم مانند هر تغییر دیگری هم لازم است و هم می‌تواند آشفته‌گی آور باشد. آنچه مهم است این است که بتوان این تغییر ضروری را با هماهنگی و همکاری اطراف آن در قالب یک برنامه پیش برد و جانشینهای مناسبی برای پاسخ دهی غیر کیفری یافت که با اقبال مواجه شود.

با این مقدمه، در بخش نخست این لایحه مواد قانونی آمده است و در بخش دوم دلایل توجیهی مواد به طور فشرده بیان شده‌اند. تفصیل دلایل توجیهی در تحقیقاتی است که در چند مجلد ارائه شده است.

مواد لایحه قضازدایی و حذف برخی عنوانهای مجرمانه از قوانین

با توجه به گستردگی عنوانهای مجرمانه در قوانین و مقررات کشور و افزایش هزینه‌های دولت و جامعه در پیگیری دعاوی کیفری؛

با ملاحظه این که رسیدگی به بسیاری از جرایم کم اهمیت موجب تراکم پرونده‌ها در دادگاهها و در نتیجه موجب اطاله دادرسی می‌شود؛

با عنایت به این که بسیاری از جرم انگاریهای انجام شده به رفتارهای کم اهمیت یا موارد نقض کم خطر هنجارها و ارزشهای جامعه یا الزامات قانونی اختصاص یافته است؛

با در نظر گرفتن این که حذف برخی از جرایم موجود در قوانین جزایی به دلیل امکان کنترل آنها با توسل به سازو کارهای اداری، انضباطی، مدنی، صنفی و مانند آن وجود دارد؛

همچنین، با توجه به این که بازدارندگی و سودمندی رسیدگی‌های غیرکیفری یا غیرقضایی به جرایم مزبور بیش از هزینه های آن به ویژه در مقایسه با رسیدگی کیفری به موارد مذکور است؛

با یادآوری و تأکید بر ضرورت توجه به حقوق متهمان به ارتکاب تخلف در رسیدگی‌های اداری و انضباطی و ضرورت تدوین آیین دادرسی مربوطه؛

با تأکید بر این که جرم‌زدایی در این لایحه عبارت است از حذف عنوان مجرمانه از رفتاری که در قوانین موجود جرم شناخته شده و برای آن مجازات تعیین شده است اعم از آن که برای آن ضمانت اجرای غیرکیفری پیش بینی شده یا این که به طور کلی از کنترل نهادهای رسمی خارج شود؛

و با تأکید بر این که قضازدایی عبارت است از محدود کردن یا کنار نهادن صلاحیت محاکم قضایی در رسیدگی به دعوای کیفری یا حقوقی و واگذاری آن به سایر نهادها یا روشهای رسیدگی غیرقضایی مانند نظام اداری؛

و با هدف کاهش قلمرو مداخلات کیفری و محدود کردن آن به موارد ضروری و مهمی که دربردارنده نقض ارزشهای اساسی جامعه است، و نیز با هدف تقویت نظامهای کنترلی غیرکیفری و ترغیب دستگاههای اجرایی به توسل به راهکارها و سازو کارهای غیرقضایی مقابله با مشکلات و رفتارهای نامطلوب، لایحه قضازدایی و حذف برخی عنوانهای مجرمانه از قوانین به شرح مواد آتی تدوین می شود. / ۱-۱۲

مقدمه توجیهی

جرم زدایی در این لایحه لزوماً به این معنی نیست که عنوان مجرمانه رفتار به طور کامل سلب شود، بلکه کارکرد مهم آن حذف عنوان مجرمانه رفتارها و جرایم کم اهمیت و کنترل این رفتارها در قالب تدابیر پیشگیرانه و یا مقررات انضباطی و اداری است؛ در حقیقت تعهد دولت در مداخله و کنترل این رفتارها با سازوکاری ساده تر و سریعتر تداوم می یابد. در این حالت از یک طرف با رفتارهای غیر قانونی کم اهمیت، با سرعت و دقت بیشتری برخورد می شود و از طرف دیگر برای دستگاه قضایی مجال کنترل و برخورد با جرایم مهم به نحو مطلوب فراهم می شود.

این واقعیت در مورد قضازدایی در گستره وسیعتری از قوانین نیز صادق است؛ زیرا در خلال قوانین و مقررات پراکنده ای که تا کنون به تصویب رسیده؛ تکالیف و وظایف بسیار وسیعی برای دستگاه قضایی پیش بینی شده؛ که رسیدگی به بسیاری از این امور دارای پیچیدگیهای خاص رسیدگی های قضایی نمی باشد و بسیاری از این موارد فاقد ماهیت قضایی هستند. بر این اساس تمهید ساز و کارهای غیر قضایی و برای رسیدگی به آنها مقرون به صرفه و سهل تر می باشد؛ لذا با توجه به گستردگی بیش از حد بازوهای حمایت کیفری در مورد رفتارها و جرایم کم اهمیت در قوانین و مقررات کشور که افزایش هزینه های دولت و جامعه در رسیدگی به این موارد از طریق سازوکار قضایی را در پی دارد و با ملاحظه اینکه رسیدگی به این موارد موجبات تراکم پرونده ها در دادگاهها و بالطبع اطاله دادرسی در مورد کلیه پرونده ها و بویژه جرایم مهم را فراهم می آورد و با تأکید بر این واقعیت که امکان کنترل این رفتارها با توسل به سازوکارهای اداری، انضباطی، مدنی و صنفی، ضمن حفظ نظارت و کنترل دستگاه قضایی، مفید، کم هزینه و تأثیر گذارتر است؛ لایحه «قضازدایی و حذف برخی عنوانهای مجرمانه از قوانین»، که به موجب آن جرم زدایی و قضازدایی، در شش بخش از برخی مقررات به شرح مواد آتی انجام گرفته، تدوین شده است.

لایحه قضازدایی و حذف برخی عنوانهای مجرمانه از قوانین

ماده ۱- در کلیه مواردی که بموجب این قانون از قوانین و مقررات مختلف جرم زدایی می شود عناوین مجرمانه

رفتارها حذف و رسیدگی به آنها با عنوان تخلف به شرح مواد آتی خواهد بود.

فصل نخست: مقررات مربوط به محیط زیست، منابع طبیعی و شیلات

ماده ۲- رسیدگی به «تخلفات زیست - محیطی» در صلاحیت «هیأت های بدوی و تجدید نظر رسیدگی به تخلفات

زیست- محیطی» است. هیأت های بدوی رسیدگی به تخلفات زیست - محیطی در اداره حفاظت محیط زیست هر شهرستان

و در شهرستانهای فاقد این اداره، در اداره منابع طبیعی آن شهرستان تشکیل می شود. رسیدگی تجدید نظر به آرای

هیأت های بدوی در صلاحیت «هیأت های تجدید نظر» خواهد بود که در اداره کل حفاظت محیط زیست مرکز استان تشکیل

می شود.

ماده ۳- هیأت بدوی با حضور یکی از دارندگان پایه قضایی، حسب مورد مدیر یا نماینده حقوقی اداره حفاظت محیط

زیست یا اداره منابع طبیعی و یک کارشناس رسمی تشکیل می شود. هیأت تجدید نظر نیز با حضور یکی از دارندگان پایه

قضایی، مدیر یا نماینده حقوقی اداره کل محیط زیست استان و یک کارشناس رسمی تشکیل می شود. اتخاذ تصمیم بر

اساس رأی اکثریت هیأت است.

تبصره- کارشناس عضو هیأتها توسط مدیرکل سازمان حفاظت محیط زیست هر استان از میان کارشناسان رسمی

دادگستری انتخاب خواهد شد. در صورتی که در موضوع مربوط امکان انتخاب کارشناس رسمی فراهم نباشد، یکی از

متخصصان امر به عنوان کارشناس تعیین خواهد شد. پرداخت حق الزحمه کارشناس برعهده سازمان حفاظت محیط زیست یا سازمانی خواهد بود که موضوع رسیدگی مربوط به آن است.

ماده ۴- آرا هیأت بدوی ظرف مدت بیست روز پس از ابلاغ قابل تجدیدنظر در هیأت تجدید نظر است.

ماده ۵- در تخلفات زیست- محیطی حسب مورد و متناسب با تخلف ارتكابی ضمانت اجراهای زیر مورد حکم قرار

می گیرد:

۱- اخطار کتبی با تعیین مدت برای رفع آلودگی یا آثار آن، حذف یا تغییر منبع آلودگی و یا اعاده وضع به حال سابق؛

۲- جلوگیری موقت از تردد وسایل نقلیه یا فعالیت منابع و مراکز ناقض مقررات زیست- محیطی یا آلوده کننده محیط

زیست تا هنگام اخذ مجوز از سازمان حفاظت محیط زیست یا مراجع قانونی مربوط؛

۳- محرومیت از داشتن و حمل اسلحه شکاری و منع موقت از شکار و صید یا هرگونه پروانه یا مجوز فعالیت زیست-

محیطی؛

۴- تعلیق یا ابطال موقت پروانه یا مجوز صادره از سوی سازمان حفاظت محیط زیست یا مراجع مربوط به مدت شش

ماه؛

۵- جلوگیری از تولید و فروش محصولاتی که استانداردهای زیست- محیطی لازم در تولید آنها رعایت نشده است. تا

هنگام رعایت استانداردهای مربوط؛

۶- ضبط محصولاتی که استانداردهای زیست- محیطی لازم در تولید آنها رعایت نشده است؛

۷- ضبط وسایل و ابزار به کار رفته در ارتكاب تخلفات زیست- محیطی؛

۸- الزام به انجام اقدامات یا طرحهای سالم سازی محیط زیست؛

۹- جریمه نقدی متناسب.

تبصره ۱- هیأت‌های موضوع این فصل می‌توانند از باب تکمیل، علاوه بر ضمانت اجراهای موضوع هرکدام از تخلفات زیست- محیطی، یک یا دو مورد از ضمانت اجراهای فوق بجز بند (۹) را متناسب با تخلف ارتكابی مورد حکم قرار دهند.

تبصره ۲- نظر اکثریت در خصوص بندهای (۲)، (۴)، (۶) و (۷) در صورتی مناط اعتبار است که قاضی عضو هیأت موافق با آن باشد.

ماده ۶- عواید و درآمد ناشی از اجرای این قانون به درآمد عمومی واریز می‌شود. تمام یا بخشی از این درآمد در قالب لوایح بودجه سنواتی برای اجرای طرح‌های سالم سازی محیط زیست هزینه می‌شود.

ماده ۷- میزان و چگونگی اخذ جریمه نقدی موضوع این فصل بر اساس آیین نامه ای خواهد بود که ظرف مدت شش ماه از تاریخ تصویب این قانون به پیشنهاد سازمان حفاظت محیط زیست به تصویب هیأت وزیران خواهد رسید. در این آیین نامه میزان جریمه نقدی به گونه ای تعیین می‌شود که در صورت تکرار تخلفات این میزان افزایش یابد.

ماده ۸- صاحبان یا مسؤولان کارخانجات و کارگاه‌های موضوع ماده ۱۱ قانون حفاظت و بهسازی محیط زیست مصوب ۱۳۵۳/۳/۲۸ اصلاحی ۱۳۷۱/۸/۲۴ مکلفند به محض ابلاغ دستور سازمان، کار یا فعالیت ممنوع شده را متوقف و تعطیل نمایند. ادامه کار یا فعالیت مزبور منوط به اجازه سازمان یا تصمیم مرجع صلاحیتدار خواهد بود. این اشخاص در صورت تخلف به جریمه نقدی و الزام به اجرای دستور محکوم می‌شوند.

ماده ۹- اشخاصی که با وسایل نقلیه موتوری آلوده کننده غیرمجاز تردد می‌کنند، علاوه بر تعیین جریمه توسط پلیس راهنمایی و رانندگی برای رفع عیب به مراکز مجاز معاینه فنی خودرو هدایت می‌شوند. تردد مجدد این وسایل منوط به اخذ مجوز از مراکز مربوط می‌باشد. همچنین اشخاصی که محدودیتهای موضوع ماده ۷ قانون نحوه جلوگیری از آلودگی هوا

مصوب ۱۳۷۴/۲/۳ را رعایت نمایند، به جریمه نقدی محکوم می شوند. از تردد وسایل نقلیه آلوده کننده مزبور یا فعالیت منابع آلاینده تا رفع موجبات آلودگی جلوگیری به عمل می آید.

ماده ۱۰- صاحبان و مسئولان کارخانجات و کارگاههای آلوده کننده که برخلاف مواد ۱۴، ۱۶، و ۱۷ قانون نحوه

جلوگیری از آلودگی هوا مصوب ۱۳۷۴/۲/۳ عمل نمایند به جریمه نقدی و الزام به رعایت مقررات و استانداردها و یا ضوابط فنی مربوط محکوم می شوند.

تبصره ۱- صاحبان و مسئولان این کارخانجات و کارگاهها علاوه بر محکومیت مذکور، به حکم دادگاه صالح مکلف به پرداخت خسارت وارده به محیط زیست و اشخاص حقیقی و حقوقی می باشند.

تبصره ۲- در مورد تخلفات یا جرایم مقرر در این قانون علاوه بر اشخاص حقیقی و حقوقی، سازمان حفاظت محیط زیست حسب مورد شاکی یا مدعی خصوصی برای خسارات وارده به محیط زیست می باشد.

ماده ۱۱- صاحبان و مسئولان منابع تجاری و اماکن عمومی که برخلاف ماده ۲۴ قانون نحوه جلوگیری از آلودگی

هوا مصوب ۱۳۷۴/۲/۳ موجبات آلودگی هوا را فراهم آورند، پس از هربار اخطار و بی توجهی به آن به جریمه نقدی محکوم می شوند.

ماده ۱۲- مسئولان آلودگی حاصل از منابع متفرقه و منابع خانگی و نیز آلودگی صوتی به جریمه نقدی و حسب مورد

الزام به تغییر نوع سوخت یا اصلاح منابع آلوده کننده محکوم می شوند.

تبصره- در صورتی که منبع آلوده کننده صوتی، وسایل نقلیه موتوری باشد، مرتکب توسط پلیس راهنمایی و رانندگی جریمه و در صورت تکرار در بار سوم، گواهینامه متخلف توسط هیأت بدوی ابطال می شود.

ماده ۱۳- در موارد زیر مرتکب به جریمه نقدی محکوم می شود:

۱- عدم استفاده از وسایل حفاظتی پیش بینی شده و همچنین عدم رعایت دستورالعملهای حفاظتی توسط کارکنان با

اشعه؛

۲ - به کار گرفتن اشخاص بدون انجام آزمایشهای پزشکی لازم پیش از استخدام و یا بدون مراقبتها و آزمایشهای دوره

ای پزشکی در مدت اشتغال به کار با اشعه؛

۳- به کار گرفتن اشخاصی که به موجب ماده ۱۰ قانون حفاظت در برابر اشعه مصوب ۱۳۶۸ /۱/۲۱ این کار برای آنها

ممنوع اعلام شده است؛

۴- کوتاهی در اعلام موارد مذکور در مواد ۷، ۸ و ۹ قانون حفاظت در برابر اشعه توسط اشخاص نامبرده در موارد یاد

شده؛

۵- بهره برداری از منابع مولد اشعه و یا کار با اشعه بدون اتخاذ تدابیر حفاظتی و یا تدارک تجهیزات حفاظتی توصیه

شده توسط واحد قانونی؛

۶- بهره برداری از منابع مولد اشعه و یا کار با اشعه بدون نظارت شخص مسؤول؛

تبصره- در صورتی که مرتکب مشمول قانون نظام پزشکی جمهوری اسلامی ایران باشد، رسیدگی به تخلفات مزبور بر

عهده هیأت‌های موضوع آن قانون خواهد بود. در این حالت نیز ضمانت اجراهای مقرر در این قانون اعمال می شود.

ماده ۱۴- هر کس مرتکب اعمال زیر شود، حداکثر به دو مورد از مجازاتهای جرمه نقدی یا محرومیت از شکار تا

دوسال یا ضبط ابزار و آلات شکار محکوم می شود:

۱- شکار و صید جانوران وحشی عادی بدون پروانه؛

۲- شکار و صید بیش از میزان مندرج در پروانه و یا خلاف مقررات و خارج از محلهای مندرج در پروانه؛

۳- حمل، عرضه، فروش و صادر نمودن جانوران وحشی زنده یا کشته و اجزای آنها بدون کسب پروانه و یا مجوز از

سازمان؛

۴- صید گونه هایی که صید آنها ممنوع اعلام شده است؛

۵- از بین بردن رستنی ها از جمله قطع درختان، خارزنی، بوته کنی و تعلیف غیرمجاز در مناطق حفاظت شده و پناهگاههای

حیات وحش؛

۶- شکار و صید در فصول و ساعات ممنوع مقرر؛

۷- شکار و صید در مناطق ممنوع و یا خلاف محدودیتهای و ممنوعیتهایی که سازمان در حدود اختیارات قانونی خود

تعیین و آگهی کرده است و نیز شکار غیرمجاز در قرقهای اختصاصی؛

۸- صید گونه هایی که برای آنها اجازه لازم دریافت نشده است؛

۹- فروش آلات و ادوات صیادی غیرمجاز؛

۱۰- حمل و نگهداری محصولات صید شده غیرمجاز در شناور؛

۱۱- تغییر مسیر، ایجاد موانع فیزیکی و احداث هرگونه تأسیسات غیرمجاز در رودخانه هایی که به عنوان مسیر

مهاجرت یا تکثیر طبیعی آبزیان تعیین شده است.

تبصره- مرتکب اعمال موضوع بند ۱۱ علاوه بر جریمه نقدی به اعاده وضع به حال سابق و رفع موانع ایجاد شده محکوم

می شود.

ماده ۱۵- انجام فعالیت صیادی از سوی اشخاص ایرانی بدون کسب پروانه لازم، یا انتقال غیرمجاز محصولات صیادی از

شناور به شناورهای غیر مجاز و یا عرضه و انتقال آبزیان به منظور تکثیر و پرورش آنها بدون داشتن گواهی بهداشتی، تخلف

محسوب و مرتکب ، متناسب با نوع تخلف، ظرفیت شناور و نوع صید به پرداخت جریمه نقدی تا سه برابر ارزش محصول محکوم می‌شود.

ماده ۱۶- عدم ارسال اطلاعات مربوط به ماده ۱۶ قانون حفاظت و بهره برداری از منابع آبی جمهوری اسلامی

ایران مصوب ۱۳۷۴/۶/۱۴ و یا ارائه اطلاعات غیرواقعی مربوط به صید و فعالیت‌های تکثیر و پرورش انجام شده به ترتیب مقرر در این قانون و مقررات اجرایی آن و همچنین رعایت نکردن مقررات مربوط به در معرض دید قرار دادن علائم، اسامی، حروف و شماره هایی که شناسایی یا تعیین هویت شناور را ممکن می سازد، تخلف محسوب و مرتکب به جریمه نقدی و الزام به انجام تکالیف مربوط محکوم می‌شود.

ماده ۱۷- صید هر نوع ماهی و سایر آبزیان در خلیج فارس و دریای خزر، مردابها، رودگاهها، مصیبا، خلیج ها و

رودخانه های مربوط به دریای مذکور تا مسافتی از مصب هریک از رودخانه ها بدون اخذ پروانه لازم از شرکت سهامی شیلات ایران تخلف محسوب و متخلف علاوه بر ضبط عین مال به نفع این شرکت به جریمه نقدی معادل دو برابر بهای مال مکشوفه محکوم می شود.

تبصره- عرضه، فروش و نگهداری هر نوع ماهی و سایر آبزیان مذکور در این ماده اعم از این که به صورت تازه، منجمد، خشک، دودی و یا به هر صورت دیگر عمل آوری شده باشد ، بدون اخذ پروانه از شرکت سهامی شیلات ایران تخلف محسوب و متخلف علاوه بر ضبط عین به نفع این شرکت به جریمه نقدی معادل دو برابر بهای مال مکشوفه محکوم می شود.

ماده ۱۸ - احداث سد و کلهام صیادی در رودخانه های موضوع این قانون بدون اجازه شرکت سهامی شیلات ایران

ممنوع است . متخلفی که پس از اخطار آن شرکت اقدام به رفع مانع در مهلت مقرر ننماید ، به رفع مانع و پرداخت جریمه نقدی محکوم می شود.

ماده ۱۹ - اشخاص زیر در صورتی که پس از اخطار کتبی و پایان مهلت مقرر برای رفع مانع یا جلوگیری از فعالیت

غیرقانونی همچنان به فعالیت خود ادامه دهند، به اعاده وضع به حال سابق و جریمه نقدی محکوم می شوند:

۱ - هرکس عمداً و بدون اجازه دریاچه و مقسمی را باز کند، یا در تقسیم آب تغییری دهد، یا دخالت غیرمجاز در

وسایل اندازه گیری آب کند و یا به نحوی از انجا امر بهره برداری از تأسیسات آبی را مختل سازد؛

۲ - هرکس بدون رعایت مقررات قانون توزیع عادلانه آب مصوب ۱۳۶۱/۱۲/۱۶ به حفر چاه ، قنات و یا بهره برداری

از منابع آب مبادرت ورزد.

ماده ۲۰ - مرتکب اعمال زیر به جریمه نقدی محکوم می شود:

۱- بریدن، ریشه کن کردن، سوزانیدن نهال و درخت، تهیه چوب و هیزم و زغال از منابع ملی و توده های جنگلی

بدون اخذ مجوز از وزارت جهاد کشاورزی؛

۲- بریدن و ریشه کن کردن بوته ها و خارها و درختچه های بیابانی و کویری و کوهستانی در مناطق کویری و

بیابانی؛

۳- مبادرت به کت زدن یا روشن کردن آتش در تنه درخت جنگلی؛

۴- چرانیدن دام در جنگلها و مراتع و مناطقی که از طرف سازمان جنگلها و مراتع کشور تعیین و آگهی شده است.

تبصره ۱- در تمام موارد مذکور در بند ۱ عین مال نیز ضبط و به ترتیب مقرر در ماده ۲۸ قانون حفاظت و بهره برداری

از جنگلها و مراتع مصوب ۱۳۴۶/۵/۲۵ با اصلاحات بعدی عمل می‌شود.

تبصره ۲- انجام عملیات مذکور در بند ۲ در صورتی که به منظور زراعت، درختکاری، ایجاد بادشکن، مرتع مشجر یا

غیر مشجر و همچنین به منظور تأمین حواجی دیگر اهالی باشد، با اجازه سازمان جنگلها و مراتع کشور و طبق شرایطی که از

طرف این سازمان تعیین می‌شود مجاز است.

ماده ۲۱- در تخلفات موضوع این فصل، در صورت اقدام مرتکب به جبران خسارات وارده بر محیط زیست، اداره منابع

طبیعی یا هر ذی نفع دیگر، یا رعایت استانداردها، ضوابط و مقررات فنی، یا اعاده وضع به حال سابق و یا هر اقدامی که

آثار تخلف را از بین برده یا کاهش دهد، هیأت رسیدگی کننده محکومیت مرتکب را تخفیف می‌دهد. میزان تخفیف به

موجب آیین نامه موضوع ماده ۶ مشخص می‌شود.

ماده ۲۲- در تمام مواردی که جبران خسارت پیش بینی شده است، مرجع رسیدگی دادگاه صلاحیتدار است.

ماده ۲۳- جلوگیری از اجرای دستورات یا احکام صادره از سوی هیأت‌های بدوی و تجدید نظر و نیز از سرگیری بدون

مجوز فعالیت منابع یا مراکزی که به دستور این هیأتها و یا دادگاه از ادامه کار آنها جلوگیری شده، جرم محسوب و مرتکب

به حبس از شش ماه تا دو سال و یا جزای نقدی از ده تا صد میلیون ریال محکوم می‌شود. در صورتی که مرتکب،

مدیرعامل یا یکی از اعضای هیأت مدیره باشد، علاوه بر مجازاتهای مذکور به مدت شش ماه تا یک سال از عضویت در

سمت مدیریت عامل و هیأت مدیره اشخاص حقوقی نیز محروم می‌شود.

ماده ۲۴- در کنار هیأت‌های موضوع این فصل و برای اجرای دستورات و احکام این هیأت‌ها ، تحت نظارت قاضی عضو

هیأت بدوی، «واحد اجرا» تشکیل می شود. این واحد به تعداد لازم نیروی اداری خواهد داشت. ضابطان دادگستری در حدود

وظایف و اختیارات خود مکلف به اجرای دستورات این واحد می باشند.

فصل دوم : مقررات مربوط به امور پزشکی ، بهداشتی ، درمانی و دامپزشکی

ماده ۲۵- رسیدگی به موارد زیر در صلاحیت هیأت‌های موضوع ماده ۲۸ قانون سازمان نظام پزشکی جمهوری

اسلامی ایران می‌باشد:

۱- عدم درج مشخصات لازم در مورد هر نوع فرآورده به خط فارسی خوانا روی بسته بندی یا ظرف محتوی جنس طبق دستور وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی توسط صاحبان مؤسسات داخلی که نوع آنها از سوی این وزارتخانه تعیین و صورت آن منتشر می‌شود. در مواردی که فرمول محصول با مواد ترکیبی طبق تقاضای سازنده فرمول باید محفوظ بماند ، فرمول باید قبلاً به وزارتخانه تسلیم و شماره پروانه آن روی بسته بندی ذکر شود؛

۲- افزودن موادی به مواد خوردنی آشامیدنی، آرایشی، بهداشتی و اسباب بازی بدون اجازه وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و برخلاف آیین نامه ها و دستورالعمل‌های مربوط و همچنین به کارگرفتن مواد سمی به صورت و میزان غیر مجاز در سفید کردن، پاک کردن، شفاف کردن، رنگ آمیزی ظروف غذایی و پوشش و بسته بندی مواد خوردنی، آشامیدنی ، آرایشی و بهداشتی؛

۳- گمراه کردن بیمار با تبلیغات بی اساس، بازداشتن بیمار از درمان صحیح با وعده های دروغ مانند تعیین دقیق طول مدت درمان و یا فریب بیمار با بستن پیمان یا انتشار آگهی های خلاف اصول پزشکی توسط پزشکان یا متصدیان سایر فنون پزشکی؛

۴- عدم محافظت مواد غذایی در معرض فروش بر خلاف مقررات بهداشتی یا اقدام به فروش مواد غذایی فاسد یا

ناسالم؛

۵- ممانعت از اجرای مقررات بهداشتی یا انتشار یکی از بیماری‌های واگیر در اثر غفلت؛

۶- اداره مؤسسه پزشکی و دارویی به اتکای پروانه اشخاص صلاحیتدار، از سوی اشخاص فاقد صلاحیت؛

۷- انتشار آگهی تبلیغاتی که موجب گمراهی بیماران یا مراجعان به آنها باشد یا به تشخیص وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی برخلاف اصول فنی، شؤون پزشکی و یا عفت عمومی باشد، از سوی هر یک از مؤسسات پزشکی، دارویی،

صاحبان فنون پزشکی و داروسازی و سایر مؤسسات مصرح در ماده ۱ قانون مربوط به امور پزشکی و دارویی و مواد خوردنی

و آشامیدنی مصوب ۱۳۳۴/۳/۲۹ و نیز استفاده از عنوانهای مجعول و خلاف حقیقت روی تابلو و سرنسخه و یا طرق دیگر و

دادن وعده های فریبنده و همچنین دخل و تصرف و یا تغییر در نسخه پزشکی توسط دارو ساز بدون اجازه پزشک معالج به

هر صورت که باشد؛

تبصره- ارائه داروی هم فرمول از نظر مواد مؤثر به جای داروی تجویز شده در نسخه پزشک، دخل و تصرف یا تغییر

در نسخه پزشکی محسوب نمی شود، اما ارائه داروی غیرهم فرمول از نظر مواد مؤثر به جای داروی تجویز شده در نسخه

پزشک، دخل و تصرف یا تغییر در نسخه پزشکی محسوب می شود. مرجع تشخیص مواد مؤثر وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی است.

۸- انجام آزمایشهایی که متخصصان شاغل در آزمایشگاههای تشخیص طبی، بر اساس فهرست تنظیمی از سوی

وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی صلاحیت انجام آن را ندارند.

تبصره- چنانچه ارتکاب تخلفات فوق منجر به جرمی شود، رسیدگی به آن مطابق مقررات مربوط در صلاحیت محاکم

دادگستری است.

ماده ۲۶- رسیدگی به موارد زیر در صلاحیت سازمان تعزیرات حکومتی در امور بهداشتی و درمانی می باشد:

۱- اشتغال به امور پزشکی، داروسازی، دندانپزشکی، آزمایشگاهی، فیزیوتراپی و مامایی بدون داشتن پروانه رسمی؛

۲- تأسیس هر نوع مؤسسه پزشکی نظیر بیمارستان، زایشگاه، تیمارستان، آسایشگاه، آزمایشگاه، پلی کلینیک مؤسسات فیزیوتراپی و الکتروفیزیوتراپی، هیدروتراپی، کارخانه های داروسازی، داروخانه، درمانگاه، بخش تزریقات و پانسمان به هر نام و عنوان بدون اجازه وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و بدون اخذ پروانه مخصوص، واگذاری پروانه خود به دیگری و یا استفاده از پروانه دیگری؛

۳- دخالت داروسازان در امور مختص طبابت جز در مورد کمکهای نخستین پیش از رسیدن پزشک؛

۴- تبدیل تاریخ مصرف دارو، افزایش قیمت رسمی و یا تخلف در نرخ گذاری نسخه از سوی هریک از متصدیان امور دارویی و یا داروخانه ها؛

۵- توزیع داروهای فاسد، داروهای با تاریخ مصرف کوتاه و منقضی شده برخلاف آیین نامه های مصوب وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی از سوی شرکتهای توزیع کننده و همچنین فروش بیش از قیمت رسمی مصوب دارو؛

۶- معرفی و ارائه اطلاعات علمی داروها و مواد بیولوژیک بدون اجازه وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و برخلاف آیین نامه های مربوط؛

۷- وارد کردن و ساختن مواد دارویی یا فرآورده های بیولوژیک اعم از هر نوع سرم، واکسن، مواد غذایی شیرخواران، داروهای اختصاصی آنتی بیوتیک بدون اجازه اخذ و پروانه از وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی؛

۸- تغییر، دخل و یا تصرف در فرمول، ترکیب، شکل و یا بسته بندی دارو و مواد بیولوژیک از سوی سازندگان بدون اخذ اجازه مجدد از وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی؛

۹- تخلف اصل مواد (۶)، (۷) و (۸) قانون مربوط به مقررات امور پزشکی و دارویی و مواد خوردنی و آشامیدنی مصوب

۱۳۳۴/۳/۲۹ با اصلاحات بعدی؛

۱۰- وارد کردن یا ساختن مواد دارویی یا بیولوژیکی بدون اجازه وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی؛

۱۱- افزودن موادی به مواد خوردنی و آشامیدنی و آرایشی و بهداشتی و اسباب بازی بدون اجازه وزارتخانه وزارت

بهداشت، درمان و آموزش پزشکی.

ماده ۲۷- سازمان تعزیرات حکومتی یا هیأت‌های موضوع ماده ۲۸ قانون نظام پزشکی، حسب صلاحیت، مرتکب یا

مرتکبان تخلفات موضوع ماده فوق را با توجه به شدت و ضعف عمل ارتكابی و تعدد و تکرار آن حسب مورد به یک یا دو

ضمانت اجرای زیر محکوم می‌کنند:

۱- جریمه نقدی از ده تا پنجاه میلیون ریال؛

۲- تعطیل موقت مؤسسه یا واحد تولیدی تا شش ماه؛

۳- تعطیل مؤسسه یا واحد تولیدی از شش ماه تا یک سال؛

۴- تعطیل دائم مؤسسه یا واحد تولیدی؛

۵- لغو موقت پروانه مسؤول فنی تا یکسال؛

۶- لغو دائم پروانه مسؤول فنی؛

۷- قطع سهمیه دارویی تا یک ماه؛

۸- جمع‌آوری، ضبط و یا امحای کالاهای غیرمجاز.

ماده ۲۸- ارتكاب اعمال موضوع مواد ۶ و ۱۱ قانون سازمان دامپزشکی کشور مصوب ۱۳۵۰/۳/۲۴ تخلف محسوب و

مرتکب به جریمه نقدی از پانصد تا ده میلیون ریال محکوم می‌شود. رسیدگی به این تخلفات در صلاحیت هیأت‌های

موضوع مواد ۲۱ و ۲۳ قانون تأسیس نظام دامپزشکی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۷۶/۸/۱۸ می‌باشد.

فصل سوم : مقررات مربوط به امور اقتصادی و دارایی و بازرگانی

ماده ۲۹- ماده ۲۴۴ قانون مالیاتهای مستقیم مصوب ۱۳۶۶/۱۲/۳ با اصلاحات بعدی به شرح زیر اصلاح می شود:

رسیدگی به اختلافات و تخلفات مالیاتی جز در مواردی که در این قانون صراحتاً مرجع دیگری تعیین شده باشد، با

هیأت‌های حل اختلاف مالیاتی است. این هیأت با حضور سه عضو به شرح زیر تشکیل می‌شود:

۱- یکی از دارندگان پایه قضایی اعم از شاغل یا بازنشسته با معرفی رییس قوه قضاییه؛

۲- نماینده سازمان امور مالیاتی کشور؛

۳- نماینده اتاق بازرگانی و صنایع و معادن، اتاق تعاون، جامعه حسابداران رسمی، مجامع حرفه‌ای، تشکل‌های

صنفا و شوراهای اسلامی شهر به انتخاب مؤدی در صورتی که برگ تشخیص مالیات یا برگ انتسابی تخلف، ابلاغ

قانونی شده باشد و یا همزمان با تسلیم اعتراض به برگ تشخیص در مهلت قانونی، مؤدی انتخاب خود را اعلام

نماید، سازمان امور مالیاتی با توجه به نوع فعالیت مؤدی یا موضوع مالیات مورد رسیدگی یا تخلف انتسابی از بین

نمایندگان مزبور یک نفر را انتخاب خواهد کرد.

ماده ۳۰- تبصره زیر به عنوان تبصره ۳ به ماده ۲۴۴ قانون مالیاتهای مستقیم الحاق می‌شود:

هیأت‌های حل اختلاف مالیاتی، مرتکب یا مرتکبان تخلف مالیاتی موضوع قانون مالیاتهای مستقیم را با توجه به

شدت و ضعف تخلف ارتكابی و تعدد و تکرار آن حسب مورد از یک تا ده میلیون ریال جریمه نقدی محکوم می‌کنند.

ماده ۳۱- قسمت اخیر ماده ۲۵۰ قانون مالیاتهای مستقیم مصوب ۱۳۶۶/۱۲/۳ با اصلاحات بعدی به شرح زیر اصلاح

می‌شود:

تا در صورت احراز تخلف و صلاحدید با صدور کیفرخواست به تخلف مذکور رسیدگی نمایند.

ماده ۳۲- رسیدگی به اعمال زیر در صلاحیت هیأت‌های حل اختلاف مالیاتی موضوع ماده ۲۴۴ قانون مالیات‌های

مستقیم می‌باشد:

۱- عدم ارایه اظهار نامه در موعد مقرر؛

۲- عدم تسلیم اظهار نامه توسط اشخاص حقوقی و مشمولان بندهای الف و ب ماده ۹۵ قانون مالیات‌های

مستقیم؛

۳- عدم تسلیم تراز نامه و حساب سود و زیان یا عدم ارایه دفاتر از سوی مؤدیانی که باید دفتر داشته باشند یا

مؤدیانی که دفتر آنها رد شده است؛

۴- عدم تسلیم اظهارنامه موضوع ماده ۱۱۴ قانون مالیات‌های مستقیم در مهلت مقرر یا تسلیم خلاف واقع از سوی

آخرین مدیران شخص حقوقی، موضوع ماده ۱۹۵ قانون مالیات‌های مستقیم؛

۵- تقسیم دارایی پیش از تصفیه امور مالیاتی یا پیش از سپردن تامین موضوع ماده ۱۹۶ قانون مالیات‌های مستقیم؛

۶- عدم کسر و ایصال مالیات مؤدیان از سوی اشخاص حقیقی یا حقوقی که مکلف به انجام آن هستند، موضوع

ماده ۱۹۹ قانون مالیات‌های مستقیم؛

۷- استناد مؤدی به دفاتر و اسناد و مدارک جعلی تهیه شده برخلاف حقیقت، جهت فرار از پرداخت مالیات و یا

خودداری از تسلیم اظهارنامه مالیاتی و حساب سود و زیان و ترازنامه برای مدت سه سال متوالی موضوع ماده ۲۰۱

قانون مالیات‌های مستقیم.

ماده ۳۳- عبارت «متخلف» به قسمت اخیر بند ۴ ماده ۲۵۵ قانون مالیات‌های مستقیم مصوب ۱۳۶۶ با اصلاحات

بعدی آن ، بعد از واژه «مؤدی یا» الحاق می شود.

ماده ۳۴- ماده ۲۵۹ قانون مالیاتهای مستقیم به شرح زیر اصلاح می‌شود:

هرگاه مؤدی یا متخلف به رأی هیأت‌های حل اختلاف مالیاتی اعتراض نماید و به میزان مالیات مورد رأی یا جریمه

نقدی مورد حکم، وجه نقد یا تضمین بانکی معتبر یا وثیقه ملکی معتبر بسپارد و یا ضامن معتبر مورد قبول ممیز کل

مالیاتی معرفی نماید، اجرای رأی هیأت تا صدور رأی شورای عالی مالیاتی متوقف می‌شود.

ماده ۳۵- اعضای شعب شورای عالی مالیاتی به هنگام رسیدگی به اعتراض متخلفان عبارتند از یکی از

دارندگان پایه قضایی با معرفی رییس قوه قضاییه و دو نفر از اعضای موضوع ماده ۲۵۲ قانون مالیاتهای مستقیم به

انتخاب رییس شورای عالی مالیاتی می‌باشد. ریاست شعبه به عهده عضو قاضی است.

ماده ۳۶- موضوع ماده یک و تبصره ۲ قانون اجازه وصول مالیات غیر مستقیم از برخی کالاها و خدمات

مصوب ۱۳۷۴/۷/۱۶ تخلف محسوب و رسیدگی به آن به هیأت حل اختلاف مالیاتی موضوع ماده ۲۴۴ قانون مالیاتهای

مستقیم با اصلاحات انجام شده در این لایحه واگذار می‌شود.

فصل چهارم: مقررات مربوط به کار و امور اجتماعی ، حمل و نقل و نظام مهندسی ساختمان و

معدن

ماده ۳۷- ماده ۱۸۵ قانون کار به شرح زیر اصلاح می شود:

الف- رسیدگی به تخلفات مذکور در مواد ۱۷۳ تا ۱۷۷ و مواد ۱۷۹، ۱۸۲ و ۱۸۴ در صلاحیت هیأت‌های تشخیص و

حل اختلاف موضوع ماده ۱۵۸ این قانون می باشد.

تبصره- رسیدگی به جرم به کارگیری افراد کمتر از ۱۵ سال در صلاحیت محاکم دادگستری است.

ماده ۳۸- عبارات متضمن مجازات حبس از مواد (۱۷۵)، (۱۷۶)، (۱۷۷)، (۱۷۸)، و (۱۷۹) قانون کار حذف می شوند.

ماده ۳۹- ماده ۱۸۰ قانون کار به شرح زیر اصلاح می شود:

خودداری از اجرای احکام قطعی و لازم الاجرای هیأت‌های موضوع ماده ۱۵۸ جرم بوده و کارفرمایانی که بر خلاف

ماده ۱۵۹ از اجرای به موقع احکام خودداری کنند، به حکم محاکم کیفری علاوه بر الزام به اجرا در مرتبه نخست به

جزای نقدی به میزان دو برابر محکومیت مقرر توسط هیأت و در صورت تکرار علاوه بر جزای نقدی به مجازات حبس

از نودویک تا صدو هشتاد روز محکوم می‌شوند.

ماده ۴۰- ارتکاب اعمال موضوع مواد ۴، ۸۱، ۸۲ و ۸۳ قانون مؤسسات حمل و نقل و تعمیرگاه‌های اتومبیل و

گاراژهای عمومی مصوب ۱۳۵۴/۴/۱۹ تخلف بوده و مرتکب به جریمه نقدی از پانصد هزار تا ده میلیون ریال محکوم

می‌شود.

تبصره- رسیدگی به تخلفات مزبور در صلاحیت هیأت‌های رسیدگی به تخلفات صنفی موضوع قانون نظام صنفی

می‌باشد.

ماده ۴۱- عبور وسایل نقلیه از روی خطوط راه آهن در محل‌های غیر مجاز موضوع ماده ۱۱ و تبصره های

(۱) و (۲) اصلاحی ۱۳۷۹/۲/۱۱ قانون ایمنی راه‌ها و راه آهن مصوب ۱۳۴۹/۴/۷ با اصلاحات بعدی تخلف بوده و

مرتکب به پرداخت حداکثر جریمه مقرر برای تخلفات راهنمایی و رانندگی ملزم می‌شود.

ماده ۴۲- ارتکاب اعمال موضوع مواد ۱، ۲ و ۵ قانون مجازات متخلفین از تعرفه نرخ حمل کالا و مسافر مصوب

۱۳۶۷/۱/۲۳ تخلف محسوب شده و مرتکب توسط هیأت‌های موضوع قانون نظام صنفی به مجازات‌های مقرر در مواد

مذکور محکوم می‌شود.

ماده ۴۳- رسیدگی به تخلفات موضوع ماده ۳۶ قانون نظام مهندسی معدن مصوب ۱۳۷۹/۱۱/۲۵ در صلاحیت

شورای انتظامی موضوع ماده ۱۸ این قانون است.

ماده ۴۴- رسیدگی به تخلفات موضوع ماده ۴۰ قانون نظام مهندسی و کنترل ساختمان مصوب ۱۳۷۴/۱۲/۲۲

در صلاحیت شورای انتظامی موضوع ماده ۱۷ قانون مذکور است.

فصل پنجم : مقررات مربوط به ثبت اسناد و املاک

ماده ۴۵- سفته هایی که امضاء مندرج در آن در دفاتر اسناد رسمی یا شعب بانکها و مؤسسات اعتباری غیر بانکی دارای مجوز از بانک مرکزی که صاحب امضاء در آن شعبه دارای حساب بانکی است ، تصدیق شده باشد نسبت به این اشخاص در حکم اسناد لازم الاجراست. تصدیق امضاء از سوی این مراجع به ترتیب فوق الزامی است.

ماده ۴۶- در تمامی تعهدات منجزی که مستند آن سند رسمی یا در حکم آن است متعهدله ابتدا باید با مراجعه به ادارات ثبت اسناد و املاک و صدور اجرائیه و تعقیب عملیات اجرایی از سوی این اداره اقدام نماید. در صورتی که اجرائیه پس از مدت شش ماه از تاریخ صدور منتهی به اجرا نشده و متعهدله خواستار طرح آن در محاکم دادگستری باشد، پرونده جهت ادامه عملیات به اجرای احکام دادگستری محل ارسال می شود. حکم این ماده در مواردی که وجه چک به تبع امر کیفری مطالبه می شود، لازم الاتباع نیست.

تبصره- در اسناد رسمی لازم الاجرا که موضوع آن مطالبه مهریه از نوع وجه رایج می باشد، محاسبه و وصول آن به نرخ روز در واحد اجرا ثبت بر اساس مقررات مربوط صورت می گیرد.

ماده ۴۷- در صورت قید اقامتگاه امضاء کننده در سفته اداره ثبت محل اقامت وی و در صورت عدم قید اقامتگاه یا تعدد اقامتگاههای مندرج در سفته، اداره ثبت مکان تأدیه وجه سفته و در صورت عدم تعیین مکان تأدیه، اداره ثبت محل اقامت متعهدله نسبت به صدور اجرائیه و تعقیب عملیات اجرایی اقدام می نماید.

ماده ۴۸- چنانچه متعهد ظرف ده روز از تاریخ ابلاغ اجرائیه نسبت به اجرای مفاد آن اقدام نماید، از پرداخت نیم عشر معاف خواهد بود. در صورت تعقیب عملیات اجرایی هرگاه پیش از تنظیم صورتجلسه مزایده، متعهد، تعهد را اجرا نماید، ربع نیم عشر دریافت و پرونده مختومه می شود.

ماده ۴۹- مرجع رسیدگی به شکایت از دستور اجرای اسناد رسمی، هیأت نظارت استان محل صدور دستور اجرا

می‌باشد. این هیأت در صورت وجود دلایل مقتضی می‌تواند نسبت به توقیف عملیات اجرایی با اخذ تأمین مناسب اقدام

نماید. در مواردی که شکایت دارای ماهیت قضایی باشد، به تشخیص هیأت نظارت پرونده به مرجع قضایی مربوط

ارسال می‌شود.

ماده ۵۰- مرجع رسیدگی به اعتراض نسبت به تصمیمات واحدهای ثبتی در رابطه با امور مربوط به ثبت شرکتها

و مؤسسات غیر تجاری، هیأت نظارت استان است. تصمیم این هیأت قابل تجدید نظر در شورای عالی ثبت می‌باشد.

ماده ۵۱- تصمیمات اداره مالکیت صنعتی قابل اعتراض در هیأتی مرکب از مدیر کل مربوط و یک نفر کارشناس

به انتخاب وزیر بازرگانی و یکی از قضات دادگاه تجدید نظر استان تهران به انتخاب رییس کل دادگستری استان تهران

است. تصمیم هیأت قابل تجدید نظر در شورای عالی ثبت می‌باشد.

ماده ۵۲- تصمیمات مسؤولان ثبت شرکتها و مالکیت صنعتی در ارتباط با موارد مذکور در این قانون باید به

ذینفع ابلاغ شود. این تصمیمات برای اشخاص ساکن ایران ظرف مدت بیست روز و برای اشخاص مقیم خارج از کشور

ظرف مدت دو ماه از تاریخ ابلاغ قابل اعتراض است.

ماده ۵۳- تبصره زیر به ماده ۶ قانون ثبت اسناد و املاک الحاق می‌شود:

تبصره- سازمان ثبت اسناد و املاک کشور می‌تواند با توجه به حجم پرونده ها، تعداد شعب هیأت نظارت در

استانها را با ترکیب فوق افزایش دهد. در این صورت به جای مدیر کل ثبت اسناد و املاک برای هر شعبه یکی از

معاونان وی با حکم رییس سازمان تعیین می‌شود.

ماده ۵۴- تبصره زیر به ماده ۲۵ مکرر قانون ثبت اسناد و املاک کشور الحاق می‌شود:

تبصره- سازمان ثبت اسناد و املاک کشور می تواند با توجه به حجم پرونده ها تعداد شعب شورای عالی ثبت را تا دو شعبه در هر قسمت با ترکیب فوق افزایش دهد. در این صورت به جای معاونان امور اسناد و املاک ، مدیران کل مربوط با حکم رییس سازمان تعیین می شوند.

ماده ۵۵- بند یک ماده ۲۵ اصلاحی قانون ثبت اسناد و املاک به شرح زیر اصلاح می شود:

هر گاه در اجرای مقررات ماده ۱۱ از جهت پذیرفتن تقاضای ثبت اختلافی میان اشخاص و اداره ثبت واقع شود یا اشتباهی به وجود آید و یا در تصرف اشخاص تراحم و تعارض باشد، رفع اختلاف و تعیین تکلیف، ابطال و یا اصلاح درخواست ثبت با رییس ثبت محل است. این تصمیم قابل اعتراض در هیأت نظارت است.

ماده ۵۶- بند ۴ ماده ۲۵ اصلاحی قانون ثبت اسناد و املاک به شرح زیر اصلاح می شود:

اشتباهاتی که پیش از ثبت ملک در جریان عملیات مقدماتی ثبت پیش آمده و هنگام ثبت ملک در دفتر املاک مورد توجه قرار نگرفته است، در هیأت نظارت مطرح و حسب مورد دستور رفع اشتباه، اصلاح یا ابطال آن از سوی این هیأت صادر می شود.

ماده ۵۷- بند ۵ ماده ۲۵ اصلاحی قانون ثبت اسناد و املاک به شرح زیر اصلاح می شود:

رسیدگی به تعارض در اسناد مالکیت کلاً یا بعضاً، خواه نسبت به اصل ملک باشد و خواه نسبت به حدود و حقوق ارفاقی و همچنین تشخیص هریک از اسناد مالکیت معارض که جریان ثبتی آن بر طبق قانون و مقررات صحیحاً انجام شده و ابطال سند دیگر با هیأت نظارت است.

ماده ۵۸- تبصره ۴ ماده ۲۵ اصلاحی قانون ثبت اسناد و املاک به شرح زیر اصلاح می شود :

آراء هیأت نظارت در مورد بندهای ۱، ۴، ۵، ۶ و ۷ این ماده و سایر مواردی که در قانون تصریح شده است، با شکایت ذینفع قابل تجدید نظر در شورای عالی ثبت می باشد. رییس سازمان ثبت اسناد و املاک کشور نیز به منظور ایجاد وحدت رویه در مواردی که آراء هیأت‌های نظارت متناقض و یا خلاف قانون صادر شده باشد و رأی هیأت به موقع اجرا گذاشته نشده باشد، موضوع را برای رسیدگی و اعلام نظر به شورای عالی ثبت ارجاع می نماید. رأی صادره به مرحله اجرا در آمده و برای هیأت‌های نظارت در موارد مشابه لازم الاتباع می باشد.

ماده ۵۹- تبصره ۵ ماده ۲۵ اصلاحی قانون ثبت اسناد و املاک به شرح زیر اصلاح می شود:

آراء قابل تجدید نظر هیأت نظارت برای اطلاع ذینفع به مدت بیست روز در تابلو اعلانات ثبت محل الصاق و سپس اجرا می شود. وصول شکایت از سوی ذینفع چنانچه پیش از اجرا رأی باشد، اجرا را متوقف می نماید. در این صورت رسیدگی و تعیین تکلیف با شورای عالی ثبت می باشد. هرگاه این شورا رأی هیأت را تأیید نماید، عملیات اجرایی تعقیب می شود.

ماده ۶۰- از تاریخ اجرای این قانون تمام اموری که به موجب فصل اول تا هفتم و فصل دهم از باب پنجم قانون امور حسبی در صلاحیت دادگاه است، در صلاحیت دفاتر اسناد رسمی واجد شرایط قرار می گیرد. این دفاتر براساس مقررات مربوط و آیین نامه ای که از سوی وزیر دادگستری و رییس سازمان ثبت اسناد و املاک کشور تهیه و به تصویب رییس قوه قضاییه می رسد، انجام وظیفه می نمایند.

ماده ۶۱- هر گاه رسیدگی به امور موضوع ماده فوق مستلزم رسیدگی قضایی باشد یا شخص ثالثی با ارایه دلایلی ادعای حقی نماید، در حالت نخست دفترخانه با ذکر عدم صلاحیت، موضوع را به دادگاه اعلام می دارد. نظر دادگاه برای دفترخانه لازم الاتباع است. در حالت دوم به مدعی اخطار می شود ظرف مهلت یک ماه گواهی طرح دعوا

در دادگاه صالح و قرار توقیف عملیات اجرایی را به دفترخانه ارایه نماید. دادگاه مکلف است به صورت فوق العاده به موضوع رسیدگی نموده و با رعایت مهلت یاد شده نسبت به صدور قرار مقتضی اقدام نماید.

ماده ۶۲- صلاحیت محلی دفترخانه موضوع ماده ۶۰ به موجب مواد ۱۶۳ تا ۱۶۵ قانون امور حسبی می‌باشد و

در هر حوزه ثبتی دفترخانه ای صلاحیت اقدام دارد که ابتدا تقاضای کتبی توسط یکی از اشخاص ذینفع به آن تسلیم شده باشد. هر گاه دو یا چند دفترخانه همزمان اقدام نمایند و یا یکی از اشخاص ذینفع به صلاحیت دفترخانه معترض باشد، تعیین دفتر خانه صالح با کانون سر دفتران محل و در صورت عدم تشکیل کانون در استان مربوط با مدیر کل ثبت اسناد و املاک استان می‌باشد.

ماده ۶۳- ماده ۳۲۲ قانون امور حسبی به شرح زیر اصلاح می شود:

پس از تمام شدن تقسیم، دفتر خانه سند تقسیم نامه را که در آن مقدار ترکه و سهم هر یک از وراث و آنچه برای تأدیة دیون و اجرای وصیت منظور شده تنظیم می نماید. این سند در دفتر، ثبت و به امضاء همه صاحبان سهم، سردفتر و دفتریار می رسد.

ماده ۶۴- ماده ۳۲۳ قانون امور حسبی به شرح زیر اصلاح می شود:

در صورتی که بعضی از صاحبان سهام از امضاء امتناع نمایند، دفترخانه ثبت و سند تقسیم نامه را به امضاء حاضرین رسانیده و علل و جهات امتناع سایر صاحبان سهام را در زیر سند قید می نماید. این سند به امضاء سر دفتر و دفتریار می رسد. در صورت وصول اعتراض کتبی ظرف مدت بیست روز از تاریخ ابلاغ، یک نسخه از سند و گزارش امر همراه با اعتراض معترض به هیأت نظارت ثبت استان ارسال می شود. این هیأت مکلف است به موضوع رسیدگی

کرده و رأی مقتضی را صادر و به دفترخانه ابلاغ نماید. در صورت تغییر تقسیم ، سردفتر سند جدید را مطابق نظر هیأت نظارت تنظیم و پس از ثبت در دفتر به امضاء دفتربار نیز رسانیده و در ستون ملاحظات سند پیشین اخبار می نماید.

ماده ۶۵- در صورتی که میان صاحبان سهام ، غایب یا محجور فاقد ولی خاص باشد ، دفترخانه مکلف است

پیش از تنظیم سند موضوع را به اطلاع دادستان برساند. پس از اخذ نظر دادستان یا نماینده وی سردفتر نسبت به ثبت سهم اشخاص فوق اقدام نموده و ثبت و سند را به امضاء دادستان یا نماینده او و حسب مورد قیم یا امین می رساند.

ماده ۶۶- تنظیم قرارداد پیش فروش ساختمانها در دفاتر اسناد رسمی الزامی است. شهرداریها مکلفند در زمان

صدور پروانه احداث ساختمان برای هر واحد اختصاصی شناسنامه ای مستقل و با ذکر مشخصات کامل و مشاعات و سایر حقوق با شماره مسلسل صادر و به متقاضی تسلیم نمایند تا مستند تنظیم سند پیش فروش قرار گیرد.

ماده ۶۷- برای تنظیم سند رسمی راجع به اموال غیر منقول به جز استعلام از سازمان ثبت اسناد و املاک کشور

و سایر مبادی مربوط به احراز مالکیت یا ممنوعیت انتقال، نیاز به استعلام از دستگاه دیگری نیست. تمامی مراجع مربوط مکلف هستند ظرف مهلت یک ماه نسبت به پاسخگویی اقدام نمایند . در صورت عدم وصول پاسخ در این مهلت سردفتر مکلف به تنظیم سند رسمی می باشد.

ماده ۶۸- سردفترانی مجاز به انجام امور موضوع ماده ۶۰ می باشند که دارای شرایط مقرر در بندهای ۱ و ۲، ۴

ماده ۶ قانون دفاتر اسناد رسمی و کانون سردفتران و دفترباران مصوب ۱۳۵۴/۴/۲۵ بوده و ضمن داشتن پنج سال سابقه سردفتری ، دوره بازآموزی را گذرانده و دارای گواهینامه مخصوص از کانون سردفتران باشند.

تبصره- در حوزههایی که سردفتر واجد شرایط از حیث سابقه وجود نداشته باشد، دارا بودن دو سال سابقه سردفتری

کافی است.

ماده ۶۹- حق الزحمه دفاتر اسناد رسمی به موجب تعرفه ای خواهد بود که از سوی سازمان ثبت اسناد و املاک

کشور تهیه و به تصویب رییس قوه قضاییه می رسد. این تعرفه در صورت اقتضاء هر سه سال یک بار تجدید نظر می شود.

ماده ۷۰- سازمان ثبت اسناد و املاک کشور مکلف است ظرف مدت یک سال از تاریخ تصویب این قانون

نسبت به اجرای آن اقدام نماید. آیین نامه اجرایی این قانون در مدت شش ماه از سوی وزیر دادگستری و رییس سازمان ثبت اسناد و املاک کشور تهیه و به تصویب رییس قوه قضاییه خواهد رسید. این سازمان همچنین مکلف است از طریق کانون سردفتران و دفتریاران و اعمال نظارت لازم، از تاریخ تصویب این قانون در مدت یک سال دوره بازآموزی را به نحوی که در هر حوزه ثبتی حداقل یک سردفتر واجد شرایط موجود باشد، برگزار نماید.

ماده ۷۱- دولت مکلف است برای انجام وظایفی که در این قانون بر عهده سازمان ثبت اسناد و املاک کشور

گذاشته شده است، در قالب بودجه سالانه اعتبارات لازم را برای تهیه وسایل و تجهیزات و به کارگیری نیروی انسانی جهت اجرای این قانون تأمین نماید.

ماده ۷۲- از تاریخ تصویب این قانون تمامی قوانین و مقررات مغایر با آن ملغی است.

فصل ششم : مقررات ثبت احوال

ماده ۷۳- ماده ۴ قانون ثبت احوال به شرح زیر اصلاح می‌شود:

رسیدگی به شکایات اشخاص ذینفع از تصمیمات هیأت حل اختلاف در دیوان عدالت اداری و رسیدگی به سایر دعاوی راجع به اسناد ثبت احوال، در دادگاه محل اقامت خواهان به عمل می‌آید. در این صورت رأی دادگاه صرفاً قابل تجدید نظر است. تصمیم این هیأت ظرف مهلت بیست روز از تاریخ ابلاغ قابل اعتراض است.

ماده ۷۴- متن زیر به عنوان تبصره ماده ۸ قانون ثبت احوال الحاق می‌شود:

تبصره - هرگاه در هویت سجلی فردی براساس موازین قانونی تغییراتی ایجاد شود، ثبت احوال نسبت به اصلاح اسناد سجلی والدین یا همسر و فرزندان وی اقدام و با توجه به سوابق امر و درج توضیحات شناسنامه جدید صادر می‌کند.

ماده ۷۵- عنوان فصل هشتم قانون ثبت احوال به «نام و نام خانوادگی» تغییر داده می‌شود.

ماده ۷۶- ماده ۴۰ قانون ثبت احوال و تبصره آن به شرح زیر اصلاح می‌شود:

تغییر نام و نام خانوادگی با تصویب سازمان ثبت احوال کشور می‌باشد.

تبصره- موارد تغییر نام و نام خانوادگی مطابق آیین نامه اجرایی است که ظرف مدت سه ماه پس از تصویب این

قانون توسط سازمان ثبت احوال تهیه می‌شود و به تصویب وزیر کشور می‌رسد.

ماده ۷۷- ماده ۴۵ قانون ثبت احوال به شرح زیر اصلاح می‌شود:

هرگاه «هویت و تابعیت» افراد مورد تردید واقع شود، مراتب برای اثبات «هویت» به مراجع انتظامی و برای اثبات

«تابعیت» به شورای تأمین شهرستان ارجاع می‌شود. این مراجع در صورت تأیید طبق مقررات اقدام و در صورت عدم

تأیید نتیجه را مستدلاً به اداره ثبت احوال منعکس می نمایند. این اداره در صورت وجود شناسنامه، ضمن درج در دفاتر و اسناد مربوط نسبت به معدوم نمودن شناسنامه اقدام می نماید. تصمیم شورای تأمین مبنی بر عدم تأیید تابعیت ظرف بیست روز پس از ابلاغ قابل اعتراض در دیوان عدالت اداری است.

ماده ۷۸- تبصره «قانون حفظ اعتبار اسناد سجلی و جلوگیری از تزلزل آنها مصوب ۱۳۶۷» به تبصره یک تغییر

و تبصره ۲ به شرح زیر الحاق می شود:

تبصره ۲- هرگاه شخصی پس از استفاده از سند سجلی مدعی عدم تعلق سند به خود باشد، مراتب در کمیسیون موضوع تبصره یک این قانون رسیدگی و در صورت احراز عدم تعلق شناسنامه به مدعی، حسب مورد نسبت به اعاده شناسنامه به صاحب اصلی و یا ابطال آن اتخاذ تصمیم و مراتب جهت صدور شناسنامه جدید با مشخصات واقعی و به نام متقاضی به اداره ثبت احوال منعکس می شود.

فصل هفتم: مقررات متفرقه

ماده ۷۹- در تمام مواردی که به موجب این قانون یا قوانین و مقررات دیگر رسیدگی به تخلفات در صلاحیت هیأتها یا کمیسیونهای غیرقضایی است، رسیدگی تابع قانون آیین دادرسی اداری خواهد بود که ظرف مدت شش ماه از تاریخ تصویب این قانون توسط قوه قضاییه تهیه خواهد شد. تا زمان تصویب این قانون، اجرای احکام صادره از هیأتهای موضوع فصل نخست حسب مورد بر عهده اجرای احکام دادگاهها می باشد.

ماده ۸۰- ماده ۱۲ قانون حفاظت و بهسازی محیط زیست مصوب ۱۳۵۳/۳/۲۸ اصلاحی ۱۳۷۱/۸/۲۴؛ مواد ۲۸، ۲۹، ۳۰ و ۳۲ قانون نحوه جلوگیری از آلودگی هوا مصوب ۱۳۷۴/۲/۳؛ بندهای ۱ تا ۴ و قسمتهای (الف) و (ب) بند ۵ ماده ۱۸ قانون حفاظت در برابر اشعه مصوب ۱۳۶۸/۱/۲۱؛ ماده ۱۰، بندهای (الف)، (ب) و (د) ماده ۱۱ قانون شکار و صید مصوب ۱۳۶۴/۳/۱۶ با اصلاحات بعدی؛ بندهای ۱ تا ۵ قسمت (ب) و بندهای ۱، ۲، ۳، ۴، ۵ و ۷ قسمت (ج) ماده ۲۲ قانون حفاظت و بهره برداری از منابع آبی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۷۴/۶/۱۴؛ ماده ۱ و تبصره ۲ آن و مواد ۴، ۵ و ۶ لایحه قانونی مجازات صید غیرمجاز از دریای خزر و خلیج فارس مصوب ۱۳۵۸/۵/۴ شورای انقلاب؛ مواد ۶ و ۸ لایحه قانونی گسترش فضای سبز در شهرها مصوب ۱۳۵۹/۳/۳؛ بندهای ب، ج و د ماده ۴۵ قانون توزیع عادلانه آب مصوب ۱۳۶۱/۱۲/۱۶؛ ماده ۴۲، ۴۳، ۴۴ و ۴۶ قانون حفاظت و بهره برداری از جنگلها و مراتع مصوب ۲۵ مرداد ۱۳۴۶ با اصلاحات بعدی؛ ماده ۱۱ و ۱۲ قانون مواد خوردنی و آشامیدنی و آرایشی و بهداشتی مصوب ۱۳۴۶/۴/۲۲؛ مواد ۷، ۸، ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۲، ۱۳، ۱۴، ۱۵، ۱۶، ۱۷، ۱۸، ۲۱ و ۲۲ قانون طرز جلوگیری از بیماریهای آمیزشی و بیماریهای واگیردار مصوب ۱۳۲۰/۳/۱۱؛ مواد ۳ تا ۵ و تبصره های ۱ تا ۳ ماده ۵ و تبصره ۶ ماده ۶، ماده ۹، تبصره ۴ و ۵ ماده ۱۴ اصلاحی ۱۳۶۷/۱/۲۳ و مواد ۱۴ تا ۱۶ اصلاحی ۱۳۶۷/۱/۲۳ قانون مربوط به مقررات امور پزشکی و دارویی و مواد خوردنی و آشامیدنی مصوب ۱۳۳۴/۳/۲۹ با اصلاحات بعدی؛ مواد

۱۹۲، ۱۹۳، و ۲۰۰ قانون مالیاتهای مستقیم مصوب ۱۳۶۶/۱۲/۳ با اصلاحات بعدی؛ قانون مجازات نانوایان و قصابان

متخلف مصوب ۱۳۵۴/۴/۲۲؛ قانون مجازات پیشه وران و فروشندگانی که کالای خود را مخفی یا گران می‌فروشند مصوب

۱۳۲۲/۶/۱۷ نسخ می‌شوند. ج. ۱-۱۱